فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال یازدهم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار ۱۴۰۱
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۲۰۸-۱۸۳ مقاله پژوهشی

عوامل مؤثر بر بهره‌مندی از مزیت‌های جغرافیایی در فرایند توسعه پایدار نواحی روستایی مورد: شهرستان خرم‌آباد

اکرم قنبری؛ دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
عبدالرضا رحمانی‌فضلی*؛ دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
فرهاد عزیزپور؛ دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴

چکیده

مقاله حاضر، با هدف شناسایی عوامل موثر بر بهره‌مندی از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار در روستاهای شهرستان خرم‌آباد تهیه شده است. روش تحقیق ترکیبی (کمی-کیفی) است. از مدل کیو برای تحلیل مساله استفاده گردید. جامعه آماری روستاهای شهرستان خرم‌آباد هستند. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی روستاییان خبره‌اند که ۳۰ نفر با اشباع نظری انتخاب و با انجام مصاحبه نیمه ساختمند داده‌ها جمع‌آوری گردید. در بخش کمی نیز خبرگان روستایی بوده‌اند که از هر ۱۵۰ روستا یک نفر انتخاب و در مجموع تعداد ۱۵۰ نفر انتخاب شد. با توجه به یافته‌ها نتایج حاصل شد: نواحی روستایی مورد مطالعه علیرغم برخورداری از مزیت‌های جغرافیایی متنوع نتوانسته‌اند از مزیت‌های جغرافیایی خود در فرآیند توسعه پایدار بهره‌مند شوند از این روی در مسیر ناپایداری قرار گرفته‌اند. این ضعف بهره‌مندی متأثر از عوامل مختلفی است که در این بین نقش عوامل اقتصادی (پایین بودن سطح درآمدی در نواحی روستایی، تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری، بی‌ثباتی نظام بازار، ضعف خدمات پشتیبان و همچنین ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری) و مدیریتی-نهادی (ضعف ترتیبات حقوقی-نهادی و نبود نظام برنامه‌ریزی یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی) از اهمیت بیشتری برخوردار است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، نواحی روستایی، مزیت جغرافیایی، شهرستان خرم‌آباد.

* ar_rahmanifazli@sbu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

۱) مقدمه

توجه به توسعه نواحی روستایی از مهمترین مقوله‌های توسعه منطقه‌ای و ملی در هر کشوری به شمار می‌رود چرا که بین توسعه روستایی و توسعه شهری یک پیوستگی اساسی برقرار است که بدون توجه ویژه به این پیوستگی، توسعه منطقه‌ای و ملی موفقیت‌آمیز نخواهد بود. براساس متون توسعه، روستاییان از لحاظ شرایط اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در سطح نازلی قرار دارند. بر این شالوده، اگر قرار است توسعه‌ای انجام گیرد و خود مستمر باشد بایستی به طور اعم از نواحی روستایی آغاز شود؛ زیرا مسایل اساسی از جمله؛ فقرگسترده چه در شهر و چه در روستا، نابرابری درحال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده همگی ریشه در روستا دارد (آسایش،۱۳۷۶: ۲۱۵).

یکی از مهمترین راهبردهای ارائه شده برای توسعه در ابعاد اجتماعی-اقتصادی و محیطی-اکولوژیک در نواحی روستایی، شناخت و بهره‌برداری مناسب از مزیت‌های جغرافیایی در این نواحی است. توجه به مزیت‌های جغرافیایی در نواحی روستایی، اولاً به جهت تأثیرات آن بر رشد و توسعه کلی اقتصاد ناحیه و برآیند این اثرات در سطح ملی و کلان؛ ثانیاً جهت‌دهی سیاست‌های حمایتی در مناطق(به منظور بهینه-سازی بهره‌برداری از منابع خصوصی و عمومی در سطوح ناحیه‌ای) و در نهایت بهره‌برداری مناسب از عوامل مذکور در سطح کلان اقتصاد دارای اهمیت است. آگاهی از امکانات، فرصت‌ها و توانمندی‌های نواحی روستایی عامل کلیدی و پیش‌شرط ضروری در فرآیند توسعه بخصوص توسعه پایدار روستایی است. زیرا، از این طریق بسترها و زمینه‌های لازم برای حفظ تعادل محیط‌زیست، موفقیت‌آمیز شدن پروژه‌های عمرانی و صرفه‌جویی در هزینه‌های اجرایی فراهم می‌شود.

بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی مناطق همواره با نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رابطه داشته است. در کشور ما نیز نواحی روستایی بیش از هر زمان دیگر از شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظام‌های حاکم بر خود اثرپذیرند که این اثرپذیری نه تنها در کالبد، بلکه در همه زمینه‌ها واضح و مبرهن می‌باشد(افراخته و حجی‌پور،۱۳۹۴: ۸۷-۱۱۰).

در روستاهای کشور ما به رغم وجود ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالا در روستاها روند بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در نواحی روستایی به خوبی طی نشده و این مسئله تخریب منابع آب و خاک، کاهش ظرفیت محیطی و به تبع آن بحران‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شدیدی را به همراه داشته است.

عوامل بسیاری در عدم بهره‌مندی موثر از مزیت‌های جغرافیایی در نواحی روستایی کشور اثرگذاراند که روند بهره‌گیری از این مزیت‌های را در فرآیندهای توسعه‌ی با مشکل مواجه کرده است. ساختار سیاسی، ساختار قانونی، ساختار نظام برنامه‌ریزی تخصص‌محور و غیرمشارکتی(ناشی از رویکرد عقلایی فن محور) نادیده انگاشتن مشارکت در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها، انزواگرایی سازمان‌ها، عدم مهارت، عدم تخصص و تجربه، ضعف مدیریتی، فاصله‌گیری سازمان‌ها از اهداف در نظام‌های برنامه‌ریزی و اجرایی کشور از یک طرف و فقدان روحیه مشارکتی، فقدان کارگروهی موفق، بی‌اعتنایی، بی‌اعتمادی، سنت‌ها و هنجارهای محدود کننده، عدم انسجام اجتماعی و گسستگی درونی میان جوامع روستایی،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

فقدان آموزش در راستای توانمندسازی روستاییان جهت بهره‌برداری از مزیت‌های جغرافیایی در جوامع محلی و روستایی از طرف دیگر از جمله مهمترین عواملی هستند که تحولات مثبت سکونتگاه‌های روستایی را با چالش مواجه کرده‌اند.

نواحی روستایی در شهرستان خرم‌آباد به عنوان بخشی از فضای روستایی کشور، دارای مزیت‌های جغرافیایی مختلفی می‌باشد و دارای مزیت‌های پنهان زیادی در بخش کشاورزی و غیر کشاورزی شامل: قابلیت‌های بالا در زمینه کشاورزی و پرورش گیاهان کم‌آب، وجود منبع آب فراوان، کشت گیاهان دارویی، وجود نیروی کار فراوان، وجود بسترهای مناسب برای تفرجگاه‌های روستایی، پرورش شترمرغ، قالیبافی، پرورش مرغ تخم‌گذار بومی، زمینه مناسب جهت تشکیل تعاونی‌های روستایی، نیروی انسانی تحصیل-کرده، دسترسی مناسب به بازارهای محلی و منطقه‌ای و... دارند. با این وجود در زمینه فرآیندهای توسعه روستایی رشد چندانی نداشته و با ناپایداری سکونتگاهای روستایی مواجه هستند. سطح توسعه‌یافتگی در شهرستان خرم‌آباد نه تنها از جنبه موضوعی، بلکه از جنبه موضعی (مکانی) با نابرابری فضایی رو به رو شده است. این نابرابری زمینه‌ساز شکل‌گیری الگوی فضایی مرکز - پیرامونی شده است که منجر به حاشیه‌ای شدن (و زوال) روستاهای کم برخوردار شده است.

در این راستا، در این پژوهش سعی شده است که عوامل تاثیرگذار در نقش‌پذیری مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار نواحی روستایی شناسایی شوند. مهمترین ضرورت پرداختن به این مسأله این است که با شناسایی عوامل اثرگذار در راه بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی موجود در نواحی می‌توان دید روشنی از فضای جغرافیایی نواحی روستایی ارائه کرد و با برنامه‌ریزی کارآمد بسترها و زمینه‌های لازم برای توسعه روستاها را در این شهرستان فراهم نمود.

۲) مبانی نظری

امروزه رویکرد توسعهٔ پایدار به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل پایداری نظام سکونتگاه‌های انسانی به‌طور عام و سکونتگاه‌های روستایی به‌طور خاص از ارزش و اعتبار بالایی برخوردار است (Kalantari et al, 2008:724). در این چارچوب، توسعهٔ پایدار روستایی نوعی از توسعه است که با لحاظ‌کردن تحولات شگرف در فضاهای روستایی، سعی در کاهش فشارها و استقرار نظام پایدار اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در روستاها دارد. در بسیاری از کشورها توسعهٔ روستایی یک موضوع مهم برای دستیابی به توسعهٔ پایدار در توازن با جامعهٔ شهری است (Pašakarnis and Maliene, 2010 :545). تحقق چنین توسعه‌ای، نیازمند دگرگونی در ساختارهای نهادی، فنی، شخصیتی و ارزشی است که به تغییرهای اساسی در ساختار اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی روستاییان منجر می‌شود. برآیند و پیامد آن نیز باید پاسخگویی به نیازهای اساسی روستاییان، ارتقای کیفیت زندگی و تقویت اتکای به نفس و آزادی انتخاب روستاییان باشد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

بررسی متون توسعه نشان می‌دهد که توسعهٔ پایدار روستایی متأثر از مزیت‌های جغرافیایی مشخص در نواحی روستایی وابسته است. علیرغم مسائلی که در زمینه تعریف مزیت‌جغرافیایی شناسایی شده است، نمی‌توان انکار کرد که اندیشه شناسایی و بهره‌برداری از مزیت جغرافیایی به عنوان یک رهیافت برای ریشه‌کن کردن فقر و افزایش رفاه خانوار در مناطق عقب‌افتاده، بویژه در مناطق روستایی فقیر کشورهای در حال توسعه مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

منظور از مزیت جغرافیایی(مکانی) منافعی است که برخی از مناطق در یک فضای جغرافیایی خاص نسبت به سایر مناطق دارا می‌باشند زیرا این مناطق به موقعیت مکانی دسترسی دارند که سایر مناطق از آن بی بهره هستند(Wernerfelt, 1984: 171, Penrose, 1984:205).

مزیت‌های مکانی(جغرافیایی) در واقع، دارایی‌های ملموس و نامشهودی است که به طور نیمه دائم در یک مکان وجود دارند(Cazurra et al, 2014:508) برخی این مزیت‌ها را در قالب کارگران تحصیل کرده (Saxenian, 1994:201)، عده‌ای در دسترسی به زیرساخت‌های فناوری(Nelson, 1993:58) عده‌ای در بازارهای توسعه یافته (La Porta et al, 1997) برخی نیز در قالب دسترسی به شبکه‌ای از شرکت‌های رقابتی(Gulti et al, 2000,203) و تعدادی نیزد در دسترسی به مؤسسات پشتیبان(Khanna and Palepu, 2010:110 ;Peng et al, 2008:903) و یا برخورداری از مقررات خوب(Djankov ,et al,2002:117) تعریف کرده‌اند.

به صورت کلی و با توجه به منابع مورد مطالعه، مزیت‌های جغرافیایی در این پژوهش اینگونه تعریف شده است : مزیت جغرافیایی، ارزش مکانی- فضایی پدیده‌ها (در اینجا سکونتگاه‌های شهری، روستایی، نواحی و مناطق) متاثر از ویژگی‌های محیط طبیعی– اکولوژیک و موقعیت مکانی دانست که زمینه ساز رقابت‌پذیری فضاها است. این تعریف متأثر از نگرش کروگمن در چارچوب جغرافیای اقتصادی جدید است. این تعریف بر جغرافیا (و یا مکان) و رابطه‌اش با اقتصاد تاکید دارد.

تحلیل مزیت‌های جغرافیایی(مکانی) یا مزیت‌سنجی نواحی به لحاظ نظری و کاربردی، تاریخچه طولانی دارد و در این راستا اقتصاددانان و جغرافیدانان نقش بسیار مهمی داشته‌اند. مطالعات مزیت‌سنجی و تعیین مزیت‌های مکانی و جغرافیایی مناطق از اوایل قرن بیستم مورد توجه اقتصادهای پیشرفته از جمله آمریکا و اروپا قرار گرفت. آمریکا از دهه ۱۹۳۰ به بحث مزیت‌های مکانی پرداخت و صنعت آمریکا هنوز به مقدار زیادی دارای تخصص فضایی(مکانی) است. در اروپا نیز تخصص ناحیه‌ای و تمرکز بر صنایع خاص در مناطق مختلف در دو دهه اخیر به صورت یکنواخت افزایش داشته است(عبدالملکی و اولیایی ترشیز، ۱۳۹۲: ۱۱۸).

با توجه به تعریف ارائه شده، تئوری‌های مطرح در زمینه عوامل موثر بر نقش‌پذیری مزیت‌های جغرافیایی را در پنج گروه دسته بندی کرد که شامل:

رویکرد اقتصاد سیاسی: رویکرد اقتصاد سیاسی معتقد است که شکل‌گیری مناطق با نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه رابطه دارد (افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۹). اقتصاد سیاسی عبارت است از بررسی جریانات اجتماعی و نهادینه‌ای که از طریق آنها، گروه‌های معینی از طبقات متنفذ اقتصاد-

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

سیاسی، تخصیص منابع تولیدی کمیاب را در جهت منافع خود مهار می‌کنند(ایمانی شاملو و رفیعیان، ۱۳۹۵: ۳۰۵). از ویژگی‌های برجسته اقتصاد سیاسی، علاقه آن به بررسی کلیت اجتماعی یا کلیت روابط اجتماعی است که در واقع عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زندگی را شامل می‌شود. به طور کلی در اقتصاد سیاسی بنیان امور بر پایه‌ی تحلیل نظام روابط دولت با مردم و ملت است که تأکید اصلی آن، بر چگونگی مدیریت امور اقتصادی به ویژه تولید و توزیع ثروت به عنوان اساس تولید اقتصادی در جامعه، از سوی دولت است. به نوعی اقتصاد سیاسی حاکم از پرداختن به نحوه‌ی ساخت کشمکش‌ها و شرایط اقتصادی - اجتماعی جاری در جامعه است(افراخته و حجی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۲). در روند بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی نواحی روستایی نیز نقش دولت‌ها و نظام‌های سیاسی بسیار چشم‌گیر است. دولت با مدیریت منابع و تخصیص منابع به نواحی در میزان بهره‌گیری از این مزیت‌ها اثراگذار است در نتیجه رویکرد اقتصاد سیاسی یکی از رویکردهای پایه در این پژوهش بوده است.

رویکرد ساختارگرایی: در رویکرد ساختارگرای اعتقاد بر این است که پدیدارهای اجتماعی و فرهنگی رویدادهای واجد معنا هستند و در نتیجه دلالت‌های آنها باید در مرکز پژوهش قرار گیرد. از این رو در تحلیل ساختاری بر مجموعه مناسبات میان اجزای هر ساختار در هر پدیدار تاکید می‌شود. با شناخت این مناسبات درون ساختاری است که یک پدیدار معنا پیدا می‌کند(آزادارمکی،۱۳۸۱: ۲۸۷). در دیدگاه ساختارگرایی هر ساختار دارای یک ویژگی کلی می‌باشد که عبارتند از: هر ساختار از اجزای (عناصر) مشخص و کارکرد خاصی پدیدار شده است؛ تمامی عناصر در یک کلیت به هم پیوسته می‌باشند؛ تغییر در هر عنصر باعث تغییر در عناصر دیگر می‌شود؛ پیش‌بینی، به عبارتی پیش‌بینی ساختار مبتنی بر تغییر اجزا در آینده. بدین ترتیب اگر اجزا یا عناصر هر ساختار از عهده وظیفه و کارکرد خود به خوبی برآیند، و به همین منوال، اگر کلیه ساختارهای اجتماعی در درون سیستم با یکدیگر با هماهنگی و همساز عمل کنند، می‌توان گفت سیستم در حالت متعادل قرار دارد و در مقابل اگر ساختارها بهم ریزد، سیستم از هم می‌پاشد (ازکیا و مختاپور،۱۳۹۱: ۲۱). در نتیجه رویکرد ساختارگرایی می‌توان اینچنین استدلال کرد که بهره‌گیری و یا عدم بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی نواحی روستایی تحت تاثیر عملکرد مجموعه‌ای از عوامل در اینجا دولت، بخش خصوصی، جوامع محلی و ... وابسته است و عملکرد این سه گروه در یک ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر هستند و عملکرد هر از این گروهها عملکرد سایر گروه‌ها را تحت تاثیر قرار خواهد داد.

رویکرد کارکردگرایی: در این دیدگاه هر نظام اجتماعی در حکم پیکر واحدی است که در جهت معینی کار می‌کند و در نهایت واجد هدف یا غایت خاص و ناآشکاری است. طرفداران این نظریه معتقدند که دوام هر جامعه در گرو تعادل و یکپارچگی است تا انسجام لازم بدست آید. بنابراین برای مطالعه جامعه باید اجزا و قسمت‌های مختلف آن را در ارتباط کارکردی که هویت در بقا نظام دارند بررسی کرد(پوراحمد، ۱۳۷۶: ۳۳۸).

مفهوم کارکردگرایی را می‌توان با این تعریف خلاصه کرد: مکتبی که به موجب آن جامعه همچون مجموعه‌ای است که از نهادهای وابسته به هم، که هر یک در ثبات کلی جامعه نقشی دارند. یعنی سازمان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

اجتماعی در ذات خود دارای نظم و انسجام و وحدت است. در کارکردگرایی تاکید بر روی این موارد است: بررسی در کارکرد اجزا اصلی یا بخش‌های سازنده؛ تاکید روی مناسبات مشترک کارکردی که ارتباط خرد سیستم، پس خورندگی خرده سیستم و تعادل کل را بوجود آورد؛ درک یک فرهنگ در محیط آن ضرورت دارد و هر نهاد فرهنگی باید داخل چارچوب قلمروهای فرهنگی که فرهنگ بحث در آن توسعه یافته است، ارزیابی گردد(بهفروز، ۱۳۷۸: ۵۶۲). در بحث بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی نواحی نیز رویکرد کارکردگرایی بر این موضوع تاکید دارد که در فرآیند بهره‌گیری از این مزیت‌ها هر کدام دولت، جوامع محلی و ... به عنوان یک جز وظایفی را بر عهده دارند که قصور و کوتاهی هر کدام از این اجزا می-تواند بر عملکرد کل جامعه و سایر اجزا اثرات منفی بگذارد

رویکرد ساختاری شدن گیدنز: مفهوم ساختاری شدن ارتباط دوگانه ساختار می‌باشد و این به معنی آن است که ساختار اجتماعی به وسیله کنشگران فعال مورد استفاده قرار می‌گیرد و با استفاده از مشخص‌های ساختار، همین ساختار به وسیله آنها متحول می‌شود. بنابراین فرآیند ساختاری شدن مستلزم موارد زیر است: نوعی مفهوم سازی از ماهیت ساختار، عاملیتی که از ساختار استفاده می‌کنند و شیوه‌های که این موارد برای ایجاد انواع الگوهای سازمان انسانی، متقابلاً در یکدیگر به کار گرفته می‌شود (مقدس و قدرتی، ۱۳۸۳: ۲۸). در واقع نظریه ساخت‌یابی ساختارهای اجتماعی مجموعه‌ای از قواعد، نقش‌ها، روابط و معانی هستند که با اندیشه و عمل انسان‌ها (عاملان) بازتولید و متحول می‌شوند. این انسان‌ها هستند که در طی زمان، ساختارها را خلق می‌کنند و مبتکر تحول در آن‌ها می‌گردند. ساختارها پدیده‌هایی مادی نیستند که مستقل از افراد و بیرون از آن‌ها (مانند پدیده‌های طبیعی) قرارگرفته باشند، بلکه قواعد و نقش‌هایی را فراهم می‌آورند که نیازمند معنا و تفسیر عاملان می‌باشند (عزیزخانی، ۱۳۸۷: ۱۹۵). در بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی نواحی روستایی نیز دولت‌ها و مردم محلی به عنوان عاملیت اجرایی با عملکردهای خود عنصر مهمی در بهره‌گیری یا عدم بهره‌گیری از این مزیت‌ها هستند.

رویکرد کارکردگرایی ساختاری: کارکردگرایی ساختی از یک سو کارکردها و نتایج پدیده‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. هر ساخت که از روابط ثابت و پایدار تشکیل می‌شود با یک سلسله کارکردها در نظام اجتماعی تناسب دارد (دیانت، ۱۳۹۵: ۱۰۵). کارکردگرایی ساختاری از جهتی به نیازهای کنشگران یا اجتماع و از طرفی به ساختار و سازمان توجه دارد. مجموعه فعالیت‌هایی که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای نظام انجام می‌گیرد شامل: تطبیق(Adaptation)؛ هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته تطبیق دهد؛ دستیابی به هدف(Goal Attainment)؛ یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد؛ یکپارچگی و انسجام(Integration)؛ هر نظامی باید روابط متقابل میان اجزایش را تنظیم کرده و به رابطه میان چهار تکلیف کارکردی‌اش نیز انسجام ببخشد؛ پایداری(Latency)؛ هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده این انگیزش‌ها را ایجاد، نگهداری و تجدید کند. در رویکرد کارکردگرایی ساختاری این چهار تکلیف با چهار نظام کنش، «سیستم زیستی» از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان خارجی، «سیستم شخصیتی» از

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

طریق تعیین هدف نظام و بسیج منافع برای دستیابی به آنها، «سیستم اجتماعی» از طریق کارکرد یکپارچگی و «سیستم فرهنگی» که از طریق وضوح‌بخشی به اهداف و ارائه الگوهای فرهنگی، پایداری را ایجاد می‌کنند، رابطه دارد(گیدنز، ۱۳۷۶: ۵۲۲).

در زیر به برخی از مهمترین مطالعات صورت گرفته در زمینه موضوع مورد مطالعه اشاره می‌شود:

مهدوی و محی‌الدینی (۱۳۸۹)مهمترین عوامل موثر در عملکرد ضعیف توان‌های محیطی و جغرافیایی در توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان مهاباد را در عدم مدیریت صحیح این امکانات، عدم وجود صنایع تبدیلی، عدم تضمین خرید و نوسان قیمت، پایین بودن میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، پایین بودن میزان تسهیلات بانکی، تخریب منابع طبیعی، پایین بودن کیفیت ماشین آلات و به طور کلی تکنولوژی، نبود امکانات و تجهیزات پیشرفته، توجه زیاد به شهرنشینی و عدم سرمایه گذاری دولتی معرفی کرده‌اند.

فرزین و نادعلی (۱۳۹۰) مهمترین عوامل موثر در بهره‌گیری از مزیت‌های مکانی و رقابتی مناطق را در ۴ عامل اصلی خلاصه کرده‌اند. مدیریت که شامل نظارت، سرمایه مالی، اطلاعات و تحقیقات و کیفیت خدمات می‌باشد. منابع پشتیبان که شامل دسترسی‌ها، زیرساخت‌ها و منابع تسهیلاتی است. در نهایت برنامه‌ریزی و همچنین خط‌مشی ها از جمله مهمترین این عوامل هستند.

کازورا و همکاران (Cazurra et al, 2014) در مطالعه مزیت‌های مکانی و عوامل موثر در شکل‌گیری و بهره‌گیری از این مزیت‌ها، عوامل موثر در استفاده از این مزیت‌ها را در پویایی زیرساخت‌ها و اقدامات دولت از طریق ایجاد موسسات و توسعه مکان می‌دانند. موسسات خود عاملی در جهت توسعه بازار سرمایه و همچنین نوآوری و فناوری و کارآفرینی با هدف بهره‌گیری از مزیت های مکانی مناطق می‌باشند. همچنین از دیگر عوامل موثر در بهره‌گیری از مزیت‌های مکانی را نیروی انسانی ماهر و متخصص و آموزش دیده و همچنین قوانین و مقررات تعیین شده توسط دولت و نقش پشتیبان دولت می‌دانند.

برکوز (Berkoz,2005) در مطالعه‌ای بر روی عوامل موثر در بهره‌گیری از مزیت‌های مکانی در منطقه کلان‌شهری استانول به این نتایج دست یافت که عواملی همچون حمایت‌ها و پشتیبانی‌های دولتی، دسترسی به زیرساخت‌های مناسب، وجود نیروی متخصص و ماهر در منطقه و همچنین دسترسی به دانش و فناوری نوین و خدمات تخصصی از عوامل موثر در بهره‌گیری از مزیت‌های مکانی مناطق است.

در پژوهش حاضر با توجه به مبنای تئوریکی و براساس اصول و معیارها، اهداف، می‌توان یک مدل مفهومی برای تبیین و تحلیل عوامل موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستاها در شکل (۱) نمایش داده شده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

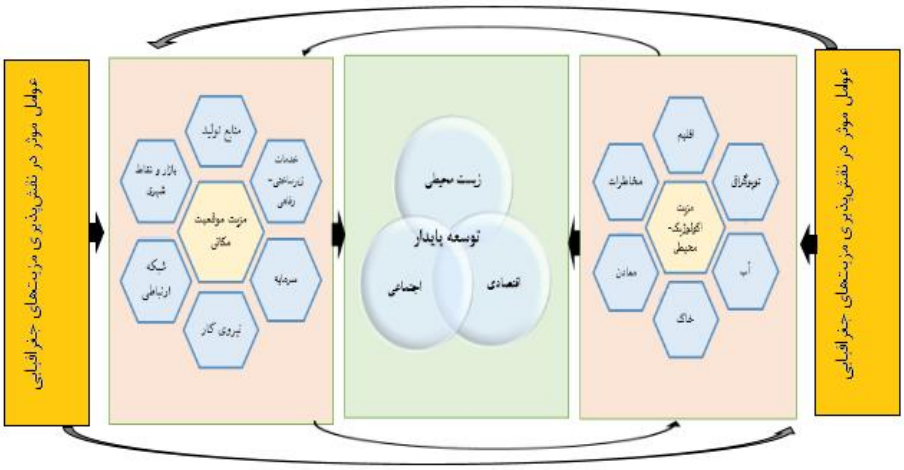

شکل ۱. چهارچوب مفهومی منتج از مبانی نظری[۱]

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف اکتشافی- تبیینی و از نظر روش ترکیبی (آمیخته) با استراتژی متوالی است که در مرحله بررسی تالار گفتمان نقش کیفی و در مرحله تحلیل عاملی کیو نقش کمی دارد(Duenckman, 2010: 284). چارچوب فلسفی این پژوهش از نوع پراگماتیسم است و از لحاظ جهت-گیری در زمره پژوهش‌های کاربردی است. این پژوهش از حیث مکانی، پژوهشی کتابخانه‌ای- میدانی محسوب می‌شود.کتابخانه‌ای از آن جهت که داده‌های نظری از بررسی و توسعه منابع موجود در زمینه مزیت‌های جغرافیایی و توسعه پایدار روستایی به دست آمده است و چون برای شناسایی ادراکات و ذهنیت‌ها، داده‌های لازم از مشارکت‌کنندگان به صورت مصاحبه نیمه ساختمند و ابزار کارت مصاحبه نیمه ساختمند گردآوری شد، میدانی محسوب می‌شود. جامعه آماری تحقیق روستاهای شهرستان خرم-آباد است. برای جمع‌آوری داده‌ها در بخش کمی از روش کیو استفاده شد.

فرآیند انجام تحقیق در چارچوب روش کیو به شرح زیر است:

روش کیو[۲]شامل ۵ مرحله کلیدی می‌باشد که در این پژوهش نیز مورد استفاده قرار گرفته است:

۱. تعیین موضوع و گردآوری فضای گفتمان: در مطالعه زمینه‌ای، درباره معنایی عوامل موثر بر بهره-گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی در نواحی روستایی شهرستان خرم‌آباد با ۳۰ نفر از خبرگان و مطلعین روستایی شهرستان مصاحبه شد و در مجموع اشباع نظری اطلاعات حاصل

[۱] . چارچوب ارایه شده در مقاله برگرفته از رساله است . با توجه به هدفی (شناسایی و تحلیل متغیرهای تعدیل‌گر) که در این مقاله دنبال می شود. محقق تلاش کرده ضمن بیان وضعیت مزیت جغرافیایی و توسعه پایدار روستایی، تاکید مقاله را بر شناسایی متغیرهای تعدیل گر قرار دهد. از این رو، در بخش یافته ها، توجه خود را معطوف به ارایه متغیرهای مزبور نموده است.

[۲]- روش کیو ابزاری توانمند در زمینه کشف ذهنیت‌ها و ادراکات عناصر اجتماعی است که رفتارها را از خود بروز می‌دهند و بواسطه این رفتارها بر محیط پیرامون اثر می‌گذارند. روش کیو ابتد توسط استیفسون در دهه ۱۹۳۰ به کارگرفته شد. ویلیام استیفسون روش کیـو را بـه عنـوان ابزاری برای شناخت ذهنیت افراد و دسته‌بندی آنها مطرح کرد (Barker,2008:917) در واقع زیربنای روش کیو درک ذهنیت انسان است. در روش‌شناسی کیو برخلاف سایر روش‌ها به جای متغیرها، ذهنیت افراد تحلیل می‌شود (Brown,1996) در این روش، پژوهشگر مجموعه‌ای از گزینه‌هـا را در اختیار مشارکت‌کننـده قرار داده و از آنها می‌خواهد براساس ادراک‌ها و دیدگاه خود کارت‌های کیو را به ترتیب اهمیت یا میزان موافقت یا مخالفت بر روی نمودار مرتب کنـد (Exel et al,2007:332) .

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

گردید. از مجموع ۳۰ نفر مصاحبه شونده ۲۴ نفر مرد و ۶ نفر زن بوده‌اند.۶ نفر زیر ۳۰ سال، ۱۹ نفر بین ۳۱ تا۴۰ سال و ۵ نفر نیز بالاتر از ۴۱ سال سن داشته‌اند. همچنین۱۸ نفر دارای مدرک لیسانس، ۵ نفر دیپلم و ۷ نفر نیز فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. فضای گفتمان شامل شناسایی و بررسی موارد و اظهارات افراد مصاحبه‌شونده در مورد عوامل موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار نواحی روستایی شهرستان خرم‌آباد ایجاد گردید.

۲. انتخاب یک نمونه معرف از فضای گفتمان: عباراتی که در فضای گفتمان موجود هستند می‌توانند زیاد و گاهی تکراری باشند یا اینکه بعضی از عبارات با فضای گفتمان ارتباطی نداشته باشند بنابراین سعی شد که در این مرحله نمونه معرفی، نمونه‌ای باشد که بتواند همه ابعاد فضای گفتمان را در خود داشته باشد. در این مرحله پس از گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای، تحلیل و کدبندی آغاز شد. فرآیند انجام کدبندی به روش تحلیل مقایسه‌ای دائمی انجام گرفت و داده‌های گردآوری شده در مرحله اول کدگذاری (کدگذاری باز) مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی شدند. سپس در مرحله کدگذاری محوری و تلفیق داده‌ها، مرتبط‌سازی مقوله‌ها و مفاهیم به یکدیگر انجام شد و مقوله (مفاهیم) و یا طبقات با زیرمقوله‌ها و زیرطبقاتی مشخص و تعریف و باز تعریف شدند.

۳. انتخاب مجموعهٔ مشارکت‌کنندگان: مشارکت‌کنندگان یعنی عاملینی که قرار است ادراکات و ذهنیت‌های آنها شناسایی شود. انتخاب مشارکت‌کنندگان در روش کیو به صورت هدفمند انجام می‌گیرد یعنی افرادی انتخاب می‌شوند که به دلیل تحصیلی، شغلی و تجربی و ... دارای ارتباط خاصی با موضوع هستند. به این ترتیب، کارت‌های کیو بین ۱۵۰ نفر از دهیاران و شوراهای محلی در ۱۵۰ روستای شهرستان خرم‌آباد توزیع گردید. فرآیند انتخاب این افراد به این صورت بوده است که به دلیل فراوان بودن تعداد روستاها (۶۴۷ روستا) ۲۰ درصد از روستاها (۱۵۰) روستا از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای ساده انتخاب شد بدین صورت که:

- در مرحله اول روستاها به سه دسته روستاهای کوهستانی، دامنه‌ای و دشتی طبقه‌بندی شده‌اند؛
- سپس هر کدام از این سه دسته، به سه دسته روستاهای با جمعیت زیاد، متوسط و کم طبقه-بندی شده ؛
- در نهایت با نمونه‌گیری تصادفی ساده از هر دسته ۵۰ روستا و در مجموع ۱۵۰ روستا انتخاب شده و از هر روستا یک نفر (دهیار یا شورای روستا) انتخاب شد و کارت‌های کیو برای اولویت-بندی در اختیار آنان قرار گرفت.

از تعداد ۱۵۰ دهیار و شواری محلی شرکت کننده در این مرحله از تحقیق تعداد هر۱۵۰ نفر مرد بوده‌اند. ۱۶ نفر زیر ۳۰ سال، ۶۳ نفر بین ۳۱ تا۴۰ سال و ۵۸ نفر نیز بالاتر نیز بین۴۱ تا۵۰ سال و ۱۳ نفر نیز بالاتر از ۵۱ سال سن داشته‌اند. همچنین۶ نفر دارای مدرک زیردیپلم،۵۲ نفر دارای مدرک دیپلم، ۶۹ نفر دارای مدرک لیسانس، و ۲۳ نفر نیز فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند

۴. گردآوری داده‌های مرتب شدهٔ کیو: مرتب‌سازی کیو، فنی است که برای گردآوری داده‌های مطالعه کیو به کار می‌رود. در این مرحله از افراد مورد مطالعه خواسته می‌شود که کارت‌ها یا اظهارات نوشته شده

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

را با توجه به درجه موافقت یا مخالفت خود مرتب کنند. در این مرحله هر مشارکت‌کننده کارت‌های دسته کیو را بر اساس دستورالعمل خاصی (از ۴- تا۴) را در قالب یک مقوا بزرگ به ترتیب دلخواه مشخص کرد.

۵. تحلیل عامل و تفسیر کیو: تجزیه و تحلیل از نوع کیو، یک روش کاملاً فنی است. در فرآیند انجام تحلیلی عاملی کیو از شیوه تحلیل مولفه‌های اصلی برای استخراج عامل‌ها و همچنین واریماکس برای چرخش عامل‌ها استفاده می‌شود. برای تفسیر نتایج تحلیل عاملی قابلیت تفسیرپذیر بودن عامل‌ها، تعداد افرادی که دارای ذهنیت یکسان هستند، جایگاه فرد یا افراد با ذهنیت خاص، درصد تبیین واریانس و اندازه بارهای عاملی در مهم تلقی شدن عامل‌های کشف شده بکار گرفته می‌شوند(خوشگویان‌فرد: ۱۳۸۶، ۷۳).

در این مطالعه برای اندازه‌گیری مزیت‌های جغرافیایی به عنوان متغیرهای مستقل از ۶۵ متغیر در قالب ۲ مولفه ویژگی‌های محیطی- اکولوژیک و موقعیت مکانی استفاده شده است و وضعیت پراکنش فضایی این مزیت ها در سطح روستاهای مورد مطالعه در شکل (۳) نمایش داده شده است.

جدول ۱. متغییرهای سنجش مزیت‌های جغرافیایی

ابعاد	متغیرها
محیطی- اکولوژیک	۱-نوع اقلیم، ۲-درصد شیب، ۳-جهت شیب، ۴-ارتفاع، ۵- حاصلخیزی خاک، ۶- میزان وقوع سیل، ۷- میزان وقوع زلزله، ۸-میزان وقوع خشکسالی، ۹-حجم و میزان آب، ۱۰-کیفیت آب آشامیدنی، ۱۱-کمیت آب آشامیدنی، ۱۲- تعداد معادن روستا، ۱۳-ظرفیت معادن روستا، ۱۴-حجم منابع استخراج شده از معادن، ۱۵- جاذبه‌های انسانی فراناحیه‌ای، ۱۶-تعداد گردشگران وارده، ۱۷-میزان مراتع، ۱۸-میزان جنگل، ۱۹-تعداد جاذبه‌های طبیعی، ۲۰- جاذبه‌های طبیعی فراناحیه‌ای، ۲۱-تعداد جاذبه‌های انسانی،۲۲-میزان اراضی زارعی، ۲۳-میزان اراضی زارعی آبی
موقعیت-مکانی	۲۴- جمعیت فعال، ۲۵- نیروی فعال با تحصیلات عالی، ۲۶- جمعیت فعال ماهر و متخصص، ۲۷-دسترسی به شبکه آب، ۲۸-دسترسی به شبکه برق، ۲۹-دسترسی به شبکه گاز، ۳۰-دسترسی به خطوط ICT، ۳۱-دسترسی به نوع راه بر اساس کیفیت، ۳۲-دسترسی به نوع راه بر اساس عملکرد، ۳۳-فاصله تا منابع آبی روستا، ۳۴-فاصله تا زمین‌های زارعی و باغی، ۳۵-فاصله از پایانه‌های مسافربری، ۳۶-فاصله از نقاط شهری، ۳۷-فاصله تا بازار محلی، ۳۸-فاصله تا بازار ناحیه‌ای، ۳۹-فاصله تا بازار ناحیه‌ای،۴۰-فاصله تا بازار ملی، ۴۱-میزان سرمایه‌گذاری دولتی، ۴۲-دسترسی به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، ۴۳-دسترسی به سرمایه‌گذاری بخش تعاون، ۴۴-دسترسی به سرمایه‌گذاری صندوق-های اعتباری، ۴۵-دسترسی به سرمایه‌گذاری در دانش و نوآوری، ۴۶- دسترسی روستا به پارک های علمی، ۴۷- دسترسی روستا به پارک‌های فناوری، ۴۸- جریان تکنولوژی به روستا (از پارک های علمی و فناوری)، ۴۹- دسترسی به مراکز رشد فن آوری، ۵۰-دسترسی به دانشگاه‌ها، ۵۱- دسترسی روستا به مؤسسات پژوهشی، ۵۲- جریان دانش از دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به روستا، ۵۳- جریان دانش از دانشگاه‌ها و موسسات پژوهشی به روستا، ۵۴-میزان جریان سرمایه وارده شده از شهر به روستا، ۵۵-میزان جریان خدماتی وارده شده از شهر به روستا، ۵۶-میزان جمعیت وارده شده از شهر به روستا، ۵۷-تعداد بنگاه تولید کالاهای واسطه‌ای، ۵۸-تعداد بنگاه تولید کالای نهایی، ۵۹-میزان محصول کشاورزی فروخته شده به واحد تولیدی، ۶۰-تعداد بازار محلی در روستا، ۶۱-میزان محصول فروخته شده در بازار محلی (دهستان/بخش)، ۶۲-میزان محصول فروخته شده در بازار ناحیه ای(شهرستان)، ۶۳-میزان محصول فروخته شده در بازار ناحیه‌ای(استان)، ۶۴-میزان محصول فروخته شده در بازار ملی(کشور)، ۶۵-میزان محصول فروخته شده در بازار فراملی.

منبع: Milner and Pentecos (۱۹۹۶), Sikharulidz and Kikutadze(2013), Zemtsov and Baburin (2016), Tunyi and Ntim (2016), Siddharthan and Lakhera. (2005), Narula and Santangelo (2012), Harring and Deng (2010).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

برای اندازه‌گیری و پیش‌بینی "توسعهٔ پایدار در نواحی روستایی"، از ۲۹ متغیر در قالب ۳ بعد " اقتصادی"، " اجتماعی"، و " زیست محیطی" استفاده شده است (جدول ۲).

جدول ۲. متغییرهای سنجش توسعه پایدار روستایی

ابعاد	متغیرها
اجتماعی	بعد خانوار، نسبت جنسی جمعیت، نرخ خالص مهاجرت، تراکم نسبی جمعیت، بارتکفل، درصد باسوادی کل، درصد باسوادی زنان، دسترسی به خدمات سیاسی- اداری، دسترسی به خدمات تفریحی، دسترسی به خدمات آموزشی، دسترسی به خدمات بهداشتی-درمانی،درصد نرخ رشد جمعیت.
اقتصادی	میانگین درآمد سالانه، نسبت درآمد به هزینه خانوار، تراکم اراضی کشاورزی، نرخ بیکاری، ضریب تنوع شغلی، نرخ رشد اشتغال، شاغلان بخش کشاورزی، شاغلان بخش صنعت، شاغلان بخش خدمات، سرانه دام سنگین و سبک، درصد اراضی زیرکشت به کل اراضی، نرخ مالکیت مسکن، سرانه زیر بنای مسکونی.
زیست‌محیطی	درصد روستاهای برخوردار از جایگاه دفن زباله، سرانه تولید مواد زاید جامد، درصد دسترسی جمعیت به شبکه فاضلاب، درصد سکونتگاه‌های دارای روش بهداشتی جمع‌آوری زباله.

منبع: Straka and Tuzová (2016), Zolfani and Zavadskas (2013), Ohlan(2013), Antonescu(2012), Salvati et al(2016), Barrera et al(2002), Elliott (2012), Yilmaz et al (2010), Michalek and Zarnekow (2011)

برای روایی ابزار تحقیق از روایی محتوا استفاده شد، به عبارت دیگر تلاش شد عبارات گردآوری شده چنان جامعیت و وسعتی داشته باشند که مشارکت‌کنندگان بتوانند ذهنیت‌های مختلف را نمایان کنند و رضایت مشارکت‌کنندگان نسبت به ظرفیت و قابلیت عبارات برای نشـان دادن ذهنیت آنان مبین روایی ابزار تحقیق بود. روش معمول برای اطمینان از پایایی ابزار در روش کیو، تکنیک آزمون مجدد می‌باشد و با توجه به نزدیکی مرتب‌سازی یک دسته کارت توسط برخی مشارکت‌کنندگان نمونه به کمک دستورالعمل یکسان در تکرارهای مختلف از پایایی ابزار تحقیق نیز اطمینان به عمل آمد.

شهرستان خرم‌آباد مرکز استان لرستان است و با موقعیت جغرافیایی به طول ۴۸ درجه و ۲۲ دقیقه و عرض ۳۳ درجه و ۲۹ دقیقه در ارتفاع ۱۱۷۱ متری در غرب کشور ایران واقع شده است (شکل ۲). این شهرستان از شمال به شهرستان‌های بروجرد و سلسله، از جنوب به شهرستان پلدختر، از غرب به شهرستان دوره چگنی و از شرق به شهرستان دورود منتهی می‌شود و شامل۴ بخش و ۱۷ دهستان و۶۴۷ روستا است. مساحت شهرستان خرم‌آباد ۶۲۳۳ کیلومترمربع است که ۲۲ درصد از مساحت استان لرستان را شامل می‌شود. جمعیت شهرستان خرم‌آباد براساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۵۰۶۴۷۱ نفر بوده است که ۲۸/۷ درصد جمعیت استان را شامل می‌شود و پر جمعیت‌ترین شهرستان استان می‌باشد. ۷۳/۹ درصد از جمعیت این شهرستان شهرنشین و ۲۶/۱ درصد روستانشین هستند. شهرستان خرم‌آباد دارای آب و هوای نیمه خشک و معتدل مرکزی است که مهمترین ویژگی آن، اعتدال هوا، کاهش اختلاف دمای سالانه و کمی وقوع پدیده یخبندان می‌باشد. روستاهای شهرستان خرم‌آباد دارای مزیت‌های عمده‌ای از جمله اقلیم مناسب، فرصت‌های گردشگری و بوم گردی فراوان، وجود منابع آب فراوان، دسترسی مناسب به بازارمحلی و منطقه‌ای، وجود نیروی کار فراوان، ارزان و جوان، دسترسی به راه‌های اصلی از جمله مزیت‌های جغرافیایی موجود در نواحی روستایی این شهرستان است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

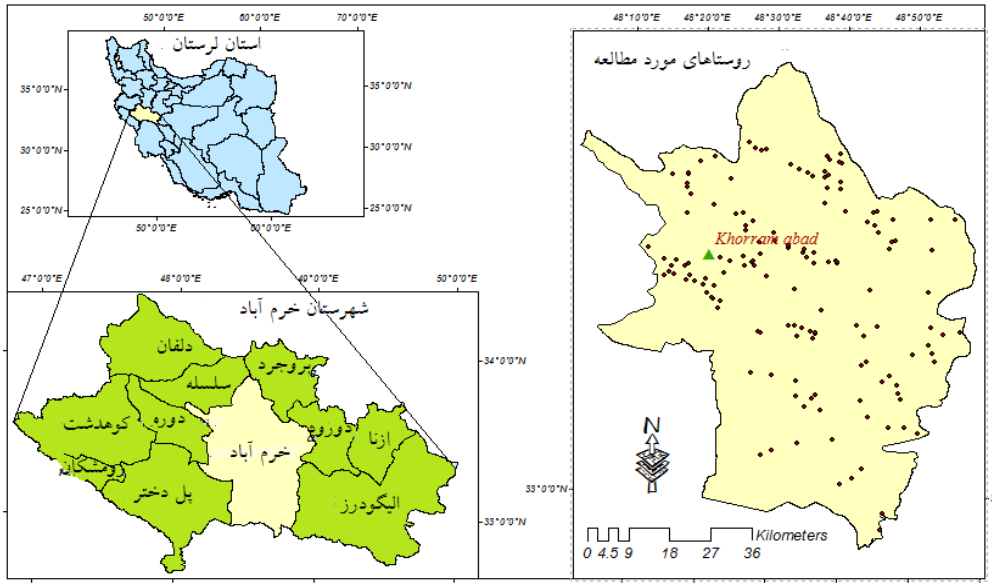

شکل ۲. نقشه موقعیت منطقه مورد مطالعه

۴) یافته‌های تحقیق

شکل(۳) پراکنش فضایی مزیت‌های جغرافیایی را در روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. روستاهایی که از مزیت‌های جغرافیایی خیلی زیاد برخوردار می‌باشند در قسمت غرب شهرستان با رنگ آبی مشخص شده‌اند. روستاهای دارای مزیت جغرافیایی زیاد نیز با رنگ سبز مشخص شده‌اند این روستاها چسبیده به روستاهای گروه اول قرار دارند و اکثرا در قسمت غرب و شمال غرب شهرستان واقع شده‌اند. روستاهای دارای مزیت متوسط در قسمت مرکز و شمال شهرستان و با رنگ زرد مشخص شده‌اند. در نهایت روستاهای دارای مزیت جغرافیایی کم و خیلی کم ر قسمت‌های شرق و جنوب شهرستان با رنگ‌های نارنجی و قرمز مشخص شده‌اند.

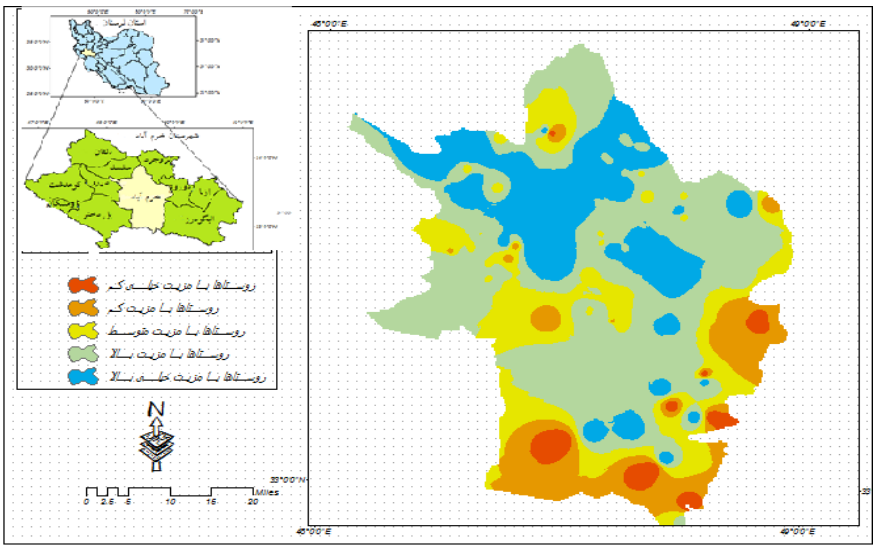

شکل ۳. پراکنش فضایی مزیت جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

شکل(۴) الگوی فضایی پراکنش سطح توسعه پایدار روستاهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. روستاهای توسعه‌یافته در قسمت غرب شهرستان خرم‌آباد با رنگ آبی مشخص شده‌اند. روستاهای نسبتاً توسعه‌یافته نیز در قسمت غرب و شمال شهرستان با رنگ سبز مشخص شده‌اند و سطح وسیعی از شهرستان را به خود اختصاص داده‌اند. روستاهای دارای توسعه متوسط در قسمت مرکز و شرق شهرستان قرار دارند و با رنگ زرد مشخص شده‌اند. در نهایت روستاهای کمتر توسعه‌یافته و روستاهای توسعه‌نیافته در قسمت‌های جنوب شهرستان با رنگ‌های نارنجی و قرمز مشخص شده‌اند.

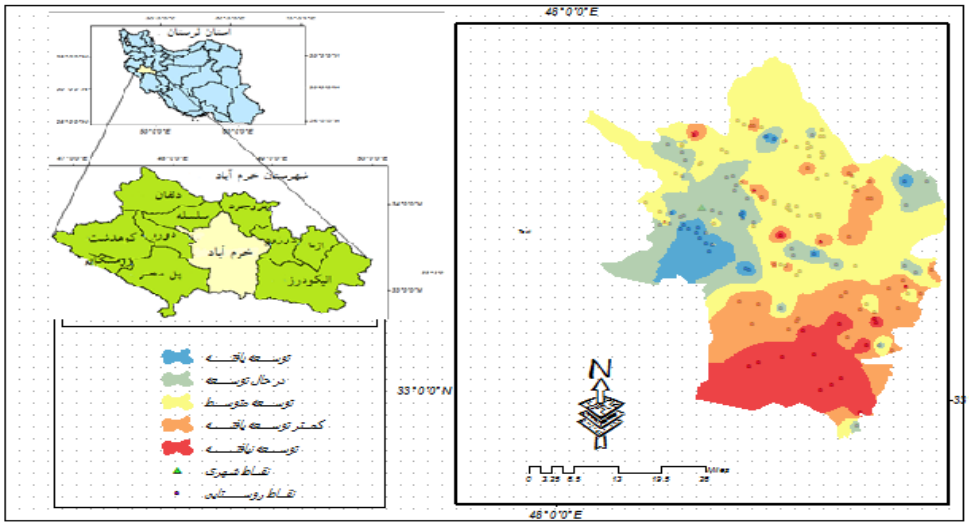

شکل ۴. پراکنش فضایی توسعه روستاهای مورد مطالعه

یافته‌های کیفی

با بررسی موارد و اظهارات افراد مصاحبه‌شونده تعداد ۴۴ واحد معنایی در مورد عوامل موثر بر بهره-گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار نواحی روستایی شهرستان خرم‌آباد شناسایی گردید؛

در مرحله بعد براساس کدگذاری مصاحبه‌های سی‌گانه تحقیق و در مرحله کدگذاری انتخابی، یافته-های تحقیق ابتدا طبقه‌بندی شدند و پس از بازنگری خبرگان در قالب ۱۵ طبقه مفهومی شامل: پایین بودن سطح مهارت و آشنایی با دانش نوین/ تسلط روحیه محافظه کاری / ضعف خلاقیت و نوآوری/ پیری جمعیت/ تسلط باورهای / فرهنگی بسته/ پایین بودن سطح درآمدی/ تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری/ بی‌ثباتی نظام بازار/ ضعف توجه به خدمات زیرساختی و رفاهی/ نارسایی در نظام آموزش و ترویج روستایی/ ضعف ترتیبات حقوقی – نهادی/ نبود نظام برنامه‌ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی/ ضعف خدمات پشتیبان تولید/ پایین بودن سطح امنیت/ ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری استخراج شدند که در جدول (۱) نمایش داده شده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

جدول ۳. مجموعه واحدهای معنایی و مقوله‌های موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی در نواحی روستایی شهرستان خرم‌آباد

واحدهای معنایی	مقوله ها/عوامل
• پایین بودن سطح سواد و تحصیلات در نواحی روستایی • نداشتن تجربه و سابقه برای بهره‌گیری مناسب از مزیت‌های جغرافیایی • نداشتن بینش و نگرش برای تغییر و تحول • غلبه داشتن روش‌های کشاورزی سنتی • عدم آشنایی با دانش فنی و تکنولوژی‌های جدید	پایین بودن سطح مهارت و آشنایی با دانش نوین
• نداشتن روحیه اعتماد به نفس و خواستن • نداشتن امید و انگیزه • نداشتن روحیه جسارت و مخاطره‌پذیری	تسلط روحیه محافظه کاری
• نداشتن روحیه خلاقیت و نوآوری • وجود رفتارهای انعطاف‌ناپذیری	ضعف خلاقیت و نوآوری
• وجود سالخوردگی جمعیت در اکثر روستاها	پیری جمعیت
• غلبه نگاه جنسیتی در روستاها • وجود فرهنگ و آداب و رسوم بسته در جوامع محلی	تسلط باورهای فرهنگی بسته
• کمبود درآمد در نواحی روستایی • وجود فقر گسترده در نواحی روستایی	پایین بودن سطح درآمدی
• وجود تورم در کشور • توزیع نامتوازن منابع مالی	تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری
• گرانی نهاده‌های کشاورزی • وجود دلالان در بخش کشاورزی • قیمت پایین محصولات کشاورزی در هنگام عرضه محصول • عدم دسترسی مناسب به بازار برای فروش محصولات و خدمات	بی ثباتی نظام بازار
• کم‌توجهی به زیرساخت‌های عمرانی و تاسیساتی در نواحی روستایی • کم‌توجهی به زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی در نواحی روستایی • کم‌توجهی به زیرساخت‌های مالی و اقتصادی در نواحی روستایی • کم‌توجهی به زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات فیزیکی در نواحی روستایی • کم‌توجهی به زیرساخت‌های آموزشی در نواحی روستایی • کم‌توجهی به زیرساخته‌ای بهداشتی در نواحی روستایی	ضعف توجه به خدمات زیرساختی و رفاهی
• کمبود فرصت‌های افزایش دانش و آگاهی فنی • کمبود خدمات ترویج روستایی	نارسایی در نظام آموزش و ترویج روستایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

• کمبود خدمات آموزشی و مشاوره‌ای	
• وجود قوانین دست و پا گیر • ضوابط وابسته به کاغذبازی بانکی و آیین نامه ها	ضعف ترتیبات حقوقی - نهادی
• عدم تبلیغ اهمیت کشاورزی و دامداری برای کشور توسط ارگان‌های دولتی • نداشتن برنامه مدون از طرف دولت برای صادرات محصولات کشاورزی • نبود برنامه جامع و هماهنگ در جهت تولید متناسب با صادرات در کشور • نبود برنامه جامع و هماهنگ در جهت تولید متناسب با نیاز در کشور	نبود نظام برنامه ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی
• عدم حضور و مشارکت نهادهای دولتی و غیر دولتی در نواحی روستایی • عدم حمایتی مالی سازمان‌های دولتی از روستاییان • عدم دسترسی مناسب به تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز • نبود تعاونی‌های روستایی • فعالیت نداشتن سازمان گردشگری در اکثر روستاهای شهرستان و استان • نبود مراکزی در جهت ارائه نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی با قیمت مناسب	ضعف خدمات پشتیبان تولید
• نبود امنیت کافی در نواحی روستایی	پایین بودن سطح امنیت
• کمبود و نبود فرصت‌های فراوری محصولات(تبدیل، بسته-بندی و ...)	ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری

یافته‌های کمی

نتایج حاصل از تحلیل عاملی نوع کیو در جدول (۴) نمایش داده شده است. الگوهای ذهنی تعیین شده از طریق برقراری ماتریس همبستگی که روشی مرسوم است استخراج شده است. عامل‌ها به روش واریماکس که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. مطابق جدول، پنج ذهنیت مختلف شناسایی شد که در مجموع ۹۹/۳۷ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند. براساس این جدول عامل اول (ذهنیت اول) ۲۵/۵۴ درصد، عامل دوم(ذهنیت دوم) ۲۳/۶۶ درصد ،عامل سوم(ذهنیت سوم) ۲۱/۱۶ درصد، عامل (چهارم ذهنیت چهارم) ۲۰/۲۳ درصد و عامل پنجم(ذهنیت پنجم) ۸/۷۰ درصد از واریانس کل را تبیین می‌کنند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

جدول ۴. واریانس کل تبیین شده

	استخراج اولیه			استخراج بعد از چرخش واریماکس		
عامل	کل	درصد واریانس	درصد تراکمی	کل	درصد واریانس	درصدتراکمی
اول	۵۶/۰۲۸	۳۷/۳۵۲	۳۷/۳۵۲	۳۸/۳۱۱	۲۵/۵۴۱	۲۵/۵۴۱
دوم	۳۲/۴۵۲	۲۱/۶۳۵	۵۸/۹۸۷	۳۵/۴۵۶	۲۳/۶۶۴	۴۹/۲۰۵
سوم	۲۶/۶۱۴	۱۷/۷۴۲	۷۶/۷۲۹	۳۱/۷۴۲	۲۱/۱۶۲	۷۰/۴۳۸
چهارم	۲۰/۷۷۷	۱۳/۸۵۲	۹۰/۵۸۱	۳۰/۳۵	۲۰/۲۳۳	۹۰/۶۷۱
پنجم	۱۳/۰۳۸	۸/۶۹۲	۹۹/۲۷۳	۱۳/۰۵۲	۸/۷۰۲	۹۹/۳۷۳

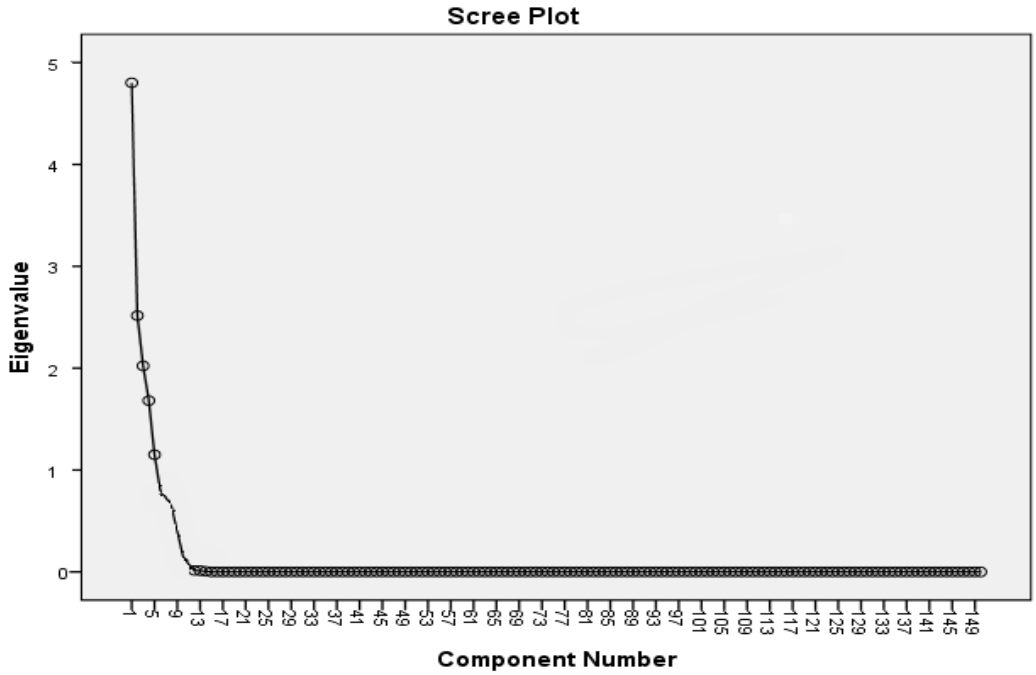

شکل ۵. نمودارسنگریزه‌ای

شکل (۵) به نمودار سنگریزه‌ای موسوم است و عامل‌های با مقدار ویژه بالای یا همان الگوهای ذهنی را نشان می‌دهد که پنج عامل یا الگوی ذهنی مشاهده می‌شود.

جدول(۵) ماتریس چرخش یافته عامل‌ها نمایش داده شده است. در این ماتریس افرادی که در هریک از این پنج الگوی ذهنی قرارد می‌گیرند مشخص شده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

جدول ۵. ماتریس بارهای عاملی چرخشی درباره ذهنیت‌های شناسایی شده

مشارکت کننده	دیدگاه۱	مشارکت کننده	دیدگاه ۲	مشارکت کننده	دیدگاه۳	مشارکت کننده	دیدگاه۴	مشارکت کننده	دیدگاه۵
۲۳	۰/۹۹۷	۱۰۶	۰/۸۵۶	۱۳۹	۰/۸۱۰	۷	۰/۷۲۶	۹۰	۰/۷۵۹
۱۱	۰/۹۹۵	۱۸	۰/۸۲۳	۲۰	۰/۸۰۳	۱۴	۰/۷۱۴	۶۵	۰/۶۲۳
۱۵۰	۰/۹۹۳	۴۳	۰/۸۱۲	۷۶	۰/۷۶۵	۵۱	۰/۷۰۵	۲۱	۰/۵۴۸
۷۹	۰/۹۹۱	۱۲۰	۰/۸۰۸	۱۲	۰/۷۴۲	۱۹	۰/۷۰۰	۳۴	۰/۵۱۹
۱۴۹	۰/۹۸۹	۳۱	۰/۷۹۹	۲۴	۰/۷۲۳	۳۹	۰/۶۷۸	۷۷	۰/۵۱۲
۱۳	۰/۹۸۷	۱۰۷	۰/۷۷۱	۳۲	۰/۷۱۵	۶۳	۰/۶۶۶	۱۰۲	۰/۴۳۴
۹۲	۰/۹۸۳	۹۹	۰/۷۴۱	۶۸	۰/۷۰۷	۷۰	۰/۶۵۲	۱۲۳	۰/۴۲۶
۴۸	۰/۹۸۱	۱۴۵	۰/۷۲۳	۸۰	۰/۶۷۴	۱۰۹	۰/۶۳۱	۹	۰/۴۱۳
۱۲۵	۰/۹۷۹	۴	۰/۷۰۹	۸۹	۰/۶۶۳	۱۴۱	۰/۶۱۳	۱۱۱	۰/۳۵۷
۱۱۳	۰/۹۷۵	۸	۰/۶۸۵	۳۳	۰/۶۴۱	۴۶	۰/۶۰۵	۱۳۶	۰/۳۲۶
۱۳۸	۰/۹۷۱	۵۵	۰/۶۵۵	۳۷	۰/۶۲۲	۱۲۸	۰/۵۶۳	۱۴۸	۰/۳۰۲
۶۹	۰/۹۶۲	۶۱	۰/۶۲۴	۱۳۴	۰/۵۹۸	۲۶	۰/۵۲۱		
۳۶	۰/۹۶۱	۷۵	۰/۶۱۷	۹۳	۰/۵۸۱	۹۵	۰/۵۱۹		
۴۷	۰/۹۵۹	۳۰	۰/۶۰۱	۱۱۴	۰/۵۶۸	۱۱۶	۰/۵۱۴		
۱۱۵	۰/۹۵۲	۱۳۲	۰/۵۹۲	۱۲۲	۰/۵۳۲	۸۲	۰/۵۰۱		
۶۷	۰/۹۴۸	۶۰	۰/۵۸۱	۱۳۵	۰/۵۲۱	۱۴۶	۰/۴۸۷		
۱۱۲	۰/۹۴۳	۱۰۰	۰/۵۷۷	۴۵	۰/۵۱۵	۴۴	۰/۴۶۴0		
۶۶	۰/۹۳۳	۳۵	۰/۵۵۲	۴۹	۰/۵۰۹	۶۴	۰/۴۵۹		
۱۰	۰/۹۲۱	۱۳۷	۰/۵۴۶	۸۸	۰/۴۸۵	۱۲۱	۰/۴۴۷		
۵۷	۰/۹۱۱	۷۴	۰/۵۳۸	۱۲۶	۰/۴۵۳	۵۶	۰/۴۳۱		
۱	۰/۹۰۲	۸۶	۰/۵۳۲	۱۴۷	۰/۴۱۶	۸۷	۰/۴۲۶		
۱۰۳	۰/۸۸۸	۹۱	۰/۵۲۶	۱۰۱	۰/۴۰۳	۱۱۰	۰/۴۲۱		
۱۲۴	۰/۸۸۶	۵	۰/۵۱۹	۵	۰/۴۰۱	۳۳	۰/۴۱۸		
۲۲	۰/۸۷۲	۶۲	۰/۵۱۱						
۷۸	۰/۸۶۳	۱۰۸	۰/۵۰۸						
۵۹	۰/۸۶۱	۶	۰/۵۰۳						
۳	۰/۸۵۷	۸۴	۰/۴۹۸						
۱۰۵	۰/۷۵۲	۱۶	۰/۴۸۸						
۲	۰/۷۲۳	۱۱۸	۰/۴۸۶						
۱۰۴	۰/۷۱۶	۱۴۳	۰/۴۷۸						
۵۸	۰/۷۰۵	۱۳۰	۰/۴۷۲						
۱۷	۰/۷۰۱	۷۲	۰/۴۷۱						
۵۴	۰/۶۴۹	۹۷	۰/۴۶۵						
۱۳۱	۰/۶۳۸	۴۱	۰/۴۶۱						
۹۸	۰/۶۱۳	۲۸	۰/۴۵۸						
۸۵	۰/۵۳۸	۵۳	۰/۴۵۳						
۱۱۹	۰/۵۲۳								
۲۹	۰/۵۱۲								
۴۲	۰/۵۱۰								
۷۳	۰/۵۰۵								
۱۴۴	۰/۵۰۰								

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

در جدول (۶) ملاحظه می‌شود که پنج متغیر x6 (پایین بودن سطح درآمدی)، x7 (تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری)، x8 (بی‌ثباتی نظام بازار)، x13 (ضعف خدمات پشتیبان تولید)، x15 (ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری)، مربوط به الگوی ذهنی اول، متغیرهایX11 (ضعف ترتیبات حقوقی-نهادی)، x12 (نبود نظام برنامه‌ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی)، مربوط به الگوی ذهنی دوم، متغیرهای x2 (تسلط روحیه محافظه‌کاری)، x3 (ضعف خلاقیت و نوآوری)، x4 (پیری جمعیت)، x5 (تسلط باورهای فرهنگی بسته)، وx14 (پایین بودن سطح امنیت)، مربوط به الگوی ذهنی سوم، متغیرهای x1(پایین بودن سطح مهارت و آشنایی با دانش نوین)، و x10 (نارسایی در نظام آموزش و ترویج روستایی)، مربوط به الگوی ذهنی چهارم و در نهایت متغیر x9 (ضعف توجه به خدمات زیرساختی و رفاهی)، مربوط به الگوی ذهنی پنجم است.

جدول ۶. متغیرهای تشکیل‌دهنده الگوهای ذهنی

عامل(الگوی ذهنی)اول		عامل(الگوی ذهنی)دوم		عامل(الگوی ذهنی)سوم		عامل(الگوی ذهنی)چهارم		عامل (الگوی ذهنی)پنجم	
متغیر	بارعاملی	متغیر	بارعاملی	متغیر	بارعاملی	متغیر	بارعاملی	متغیر	بارعاملی
X6	۰/۹۲۴	X11	۰/۷۲۸	X2	۰/۸۵۷	X1	۰/۸۲۵	X9	۰/۸۴۴
X7	۰/۹۲۱	X12	۰/۸۳۴	X3	۰/۹۰۱	X10	۰/۷۶۲		
X8	۰/۹۱۱			X4	۰/۷۸۱				
X13	۰/۸۶۸			X5	۰/۷۰۹				
X15	۰/۸۲۳			X14	۰/۷۴۹				

ذهنیت‌های شناسایی شده

عوامل اقتصادی

از نظر معتقدان به این الگو ذهنی که تاثیرگذارترین الگوی حاکم می‌باشد، مهمترین عامل موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی را عوامل اقتصادی می‌داند. این الگو ذهنی عمدتاً بر پایین بودن سطح درآمد که خود از کمبود درآمد در نواحی روستایی و وجود فقر گسترده در نواحی روستایی متأثر می‌شود، تاکید دارد. همچنین این الگوی ذهنی بر تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری که در نتیجه وجود تورم در کشور و توزیع نامتوازن منابع مالی شکل می‌گیرد، تاکید می‌کند.

بی‌ثباتی نظام بازار نیز یکی‌دیگر از عامل‌های است که در این الگوی ذهنی مطرح می‌باشد این متغیر خود ازگرانی نهاده‌های کشاورزی، وجود دلالان در بخش کشاورزی، قیمت پایین محصولات کشاورزی در هنگام عرضه محصول و عدم دسترسی مناسب به بازار برای فروش محصولات و خدمات متأثر شده است.

در این الگوی ذهنی همچنین ضعف خدمات پشتیبان تولید شامل عدم حضور و مشارکت نهادهای دولتی و غیر دولتی در نواحی روستایی، عدم حمایتی مالی سازمان‌های دولتی از روستاییان، عدم دسترسی مناسب به تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز، نبود تعاونی‌های روستایی، فعالیت نداشتن سازمان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

گردشگری در اکثر روستاهای شهرستان و استان و نبود مراکزی در جهت ارائه نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی با قیمت مناسب را به عنوان عوامل موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه روستایی می‌دانند.

همچنین ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری که از کمبود و نبود فرصت‌های فرآوری محصولات (تبدیل، بسته بندی و...) در نواحی روستایی متأثر می‌شود، نیز از جمله متغیرهای موجود در این نوع الگوی ذهنی می‌باشد.

عوامل مدیریتی– نهادی

گروهی که بر این ذهنیت تاکید دارند به عوامل نهادی- مدیریتی به عنوان عوامل موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی اهمیت داده‌اند. در این الگوی ذهنی به متغیرهای همچون ضعف ترتیبات حقوقی- نهادی که شامل وجود قوانین دست و پا گیر و ضوابط وابسته به کاغذبازی بانکی در ارائه اعتبارات و تسهیلات و همچنین نبود نظام برنامه‌ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی که خود از عدم تبلیغ اهمیت کشاورزی و دامداری برای کشور توسط ارگان‌های دولتی، نداشتن برنامه مدون از طرف دولت برای صادرات محصولات کشاورزی، نبود برنامه جامع و هماهنگ در جهت تولید متناسب با صادرات در کشور، نبود برنامه جامع و هماهنگ در جهت تولید متناسب با نیاز در کشور متأثر شده است.

عوامل اجتماعی-فرهنگی

در الگوی سوم، عمدتاً تاکید بر نقش وضعیت اجتماعی- فرهنگی حاکم در روستاها بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی است. این الگوی ذهنی بر متغیرهای همچون تسلط روحیه محافظه‌کاری که خود از نداشتن روحیه اعتماد به نفس و خواستن؛ نداشتن امید و انگیزه؛ نداشتن روحیه جسارت و مخاطره‌پذیری متاثر می‌شود تاکید دارد. از دیگر متغیرهای مورد تاکید در این الگوی ذهنی ضعف خلاقیت و نوآوری است که از نداشتن روحیه خلاقیت و نوآوری و وجود رفتارهای انعطاف‌ناپذیر متاثر می‌شود. همچنین پیری جمعیت از دیگر متغیرهای مورد تاکید در این الگوی ذهنی است. تسلط باورهای فرهنگی بسته که از غلبه نگاه جنسیتی در روستاها و وجود فرهنگ و آداب و رسوم بسته در جوامع محلی شکل می‌گیرد از دیگر متغیرهای این الگوی ذهنی می‌باشد. علاوه بر این پایین بودن سطح امنیت در نواحی روستایی از دیگر متغیرهای است که در الگوی ذهنی سوم که بر عوامل اجتماعی – فرهنگی به عنوان عوامل موثر بر بهره‌گیری از مزیت‌های نواحی روستایی در فرآیند توسعه پایدار این نواحی تاکید دارد.

عوامل انسانی

مهمترین ویژگی نهفته در این الگو، توجه به عوامل انسانی در تاثیرگذاری بر بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی است که در الگوهای قبلی مدنظر نبوده است. بر این اساس این الگو به پایین بودن سطح مهارت و آشنایی با دانش نوین در روستاها که خود از پایین بودن سطح

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

سواد و تحصیلات در نواحی روستایی؛ نداشتن تجربه و سابقه برای بهره‌گیری مناسب از مزیت‌های جغرافیایی؛ نداشتن بینش و نگرش برای تغییر و تحول؛ غلبه داشتن روش‌های کشاورزی سنتی و عدم آشنایی با دانش فنی و تکنولوژی‌های جدید ناشی است، تأکید می‌شود. همچنین در این الگوی ذهنی به عامل نارسایی در نظام آموزش و ترویج روستایی که از کمبود فرصت‌های افزایش دانش و آگاهی فنی، کمبود خدمات ترویج روستایی و کمبود خدمات آموزشی و مشاوره‌ای ناشی می‌شود، تأکید شده است.

عوامل کالبدی

الگوی ذهنی پنجم به عوامل کالبدی به عنوان مهمترین عامل در بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی تاکید دارد. این الگو دارای کمترین تأثیرگذاری در بین سایر الگوهای ذهنی است. مهمترین ویژگی این الگو تاکید بر نقش خدمات زیرساختی و رفاهی به عنوان مهمترین عامل در بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی نواحی روستایی دارد. در این الگو به کم‌توجهی به زیرساخت‌های عمرانی و تاسیساتی در نواحی روستایی، کم توجهی به زیرساختهای اطلاعاتی و ارتباطی در نواحی روستایی، کم‌توجهی به زیرساخت‌های مالی و اقتصادی در نواحی روستایی، کم‌توجهی به زیرساخت‌های حمل و نقل و ارتباطات فیزیکی در نواحی روستایی، کم‌توجهی به زیرساخت‌های آموزشی در نواحی روستایی وکم‌توجهی به زیرساخت‌های بهداشتی در نواحی روستایی تاکید فراوان شده است.

جدول ۷. متغیرهای تشکیل دهنده تحلیل عاملی عوامل موثر در بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی

ردیف	نام عامل	گویه	بار عاملی	رتبه
۱	عوامل اقتصادی	پایین بودن سطح درآمدی	۰/۹۲۴	۱
		بی ثباتی نظام بازار	۰/۹۲۱	۲
		تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری	۰/۹۱۱	۳
		ضعف خدمات پشتیبان تولید	۰/۸۶۸	۴
		ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری	۰/۸۲۳	۵
۲	عوامل مدیریتی–نهادی	نبود نظام برنامه‌ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی	۰/۷۲۸	۲
		ضعف ترتیبات حقوقی - نهادی	۰/۸۳۴	۱
۳	عوامل اجتماعی–فرهنگی	تسلط روحیه محافظه‌کاری	۰/۸۵۷	۲
		ضعف خلاقیت و نوآوری	۰/۹۰۱	۱
		پیری جمعیت	۰/۷۴۹	۴
		تسلط باورهای فرهنگی بسته	۰/۷۸۱	۳
		پایین بودن سطح امنیت	۰/۷۰۹	۵
۴	عوامل انسانی	پایین بودن سطح مهارت و آشنایی با دانش نوین	۰/۸۲۵	۱
		نارسایی در نظام آموزش و ترویج روستایی	۰/۷۶۲	۲
۵	عوامل کالبدی	ضعف توجه به خدمات زیرساختی و رفاهی	۰/۸۴۴	۱

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

۵) نتیجه‌گیری

مطالعه صورت گرفته به دنبال پاسخگویی به این سوال بوده است که عوامل موثر در بهره‌مندی از مزیت‌های جغرافیایی نواحی روستایی در فرآیند توسعه پایدار شهرستان خرم‌آباد کدامند؟

نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که از نظر خبرگان و آگاهان روستایی پنج دسته از عوامل به عنوان مهمترین عوامل در عدم بهره‌مندی موثر از مزیت‌های موجود در نواحی روستایی این شهرستان دخیل می‌باشند. این پنج دسته به ترتیب اهمیت شامل عوامل اقتصادی، عوامل مدیریتی- نهادی، عوامل فرهنگی، عوامل انسانی و نهایتاً عوامل کالبدی هستند. عوامل اقتصادی عمدتاً بر پایین بودن سطح درآمد که خود از کمبود درآمد در نواحی روستایی و وجود فقر گسترده در نواحی روستایی متأثر می‌شود تاکید دارد. در روستاهای مورد مطالعه توسعه کشاورزی به تنهایی نمی‌تواند رشد اقتصادی را تضمین کرده و فقر را ریشه‌کن سازد و توجه به سایر بخش‌ها نیز در کنار بخش کشاورزی و همچنین تنوع بخشیدن به فعالیت‌های کشاورزی برای افزایش سطح درآمد روستاییان ضروری به نظر می‌رسد.

همچنین تورم و توزیع نامتوازن منابع مالی در نواحی مختلف کشور و سیاست‌ها و خط‌مشی‌های نادرست در این زمینه موجبات توزیع ناعادلانه منافع رشد و توسعه اقتصادی و به تبع آن ساختار فضایی قطبی را در روستاهای کشور و بخصوص روستاهای مورد مطالعه فراهم آورده است و سبب عدم توسعه یکپارچه در روستاهای کشور گردیده است. بی‌ثباتی نظام بازار نیز یکی‌دیگر از عامل‌های مورد تاکید در بین عوامل اقتصادی است. وجود ثبات در نظام بازار یکی از مهمترین عوامل در ایجاد امنیت اقتصادی است. در حالی که در چند سال اخیر بی‌ثباتی در نظام بازار کشور بخصوص در بخش کشاورزی و روستایی سبب شده است که فرآیندهای توسعه در این نواحی با مشکل مواجه شود.

ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری که از کمبود و نبود فرصت‌های فرآوری محصولات (تبدیل، بسته بندی و..) در نواحی روستایی متأثر می‌شود نیز از جمله متغیرهای موجود در این نوع الگوی ذهنی می‌باشد. در صورتی که وجود این بنگاه‌ها در نواحی روستایی سبب بهره‌برداری بهینه از منابع محلی و نیز تقویت موقعیت نهادهای درون منطقه‌ای خواهد شد. بدون تردید ایجاد صنایع تبدیلی در روستاها یکی از سودمندترین ارتباطات بین دو بخش صنعت و کشاورزی است. این صنایع از میزان بیکاری دائمی و فصلی در مناطق روستایی می‌کاهد. چون نسبت به گروههای صنعتی دیگر به مهارت کمتری نیاز دارد و افزایش اشتغال از طریق آن در فرآیند توسعه صنعتی در کشور محسوس‌تر است. این صنایع زمینه مناسبی جهت توسعه مناطق روستایی فراهم می‌آورد و به افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی کمک خواهد نمود؛ لذا چنین صنایعی می‌تواند پیش نیاز موفقیت استراتژی صنعتی شدن باشد. از سوی دیگر این صنایع سبب افزایش درآمد خالص کشاورزان و روستاییان می‌گردد. همچنین در اثر ایجاد این گونه صنایع همگام با توسعه صنایع فرآوری غذایی و ارتقاء تکنولوژی در فرآیند صنعتی شدن، فرصت‌های بیشتری برای سایر بخش‌ها از جمله حمل و نقل و گروه‌هایی از بخش خدمات به وجود خواهد آمد. مسئله مهم دیگری که با استقرار صنایع تبدیلی و تکمیلی در روستاها می‌توان بر آن غلبه نمود، کاهش ضایعات محصولات کشاورزی است. چرا که میزان ضایعات مواد غذایی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

در کشور در حال حاضر از حد متعارف کشورهای پیشرفته به مراتب بالاتر می‌باشد؛ لذا در راستای توسعه پایدار و همه جانبه روستاها و نیز به منظور پشتیبانی بخش کشاورزی، ارزش افزوده محصولات کشاورزی و کاهش ضایعات و ایجاد فرصتهای جدید می‌بایست به استقرار صنایع کوچک خصوصاً صنایع تبدیلی و تکمیلی همت گماشت. ضعف خدمات پشتیبان تولید شامل عدم حضور و مشارکت نهادهای دولتی و غیر دولتی در نواحی روستایی، عدم حمایتی مالی سازمان های دولتی از روستاییان، عدم دسترسی مناسب به تسهیلات و اعتبارات مورد نیاز، نبود تعاونی‌های روستایی، فعالیت نداشتن سازمان گردشگری در اکثر روستاهای شهرستان و استان و نبود مراکزی در جهت ارائه نهاده‌ها و ماشین‌آلات کشاورزی با قیمت مناسب از جمله عوامل اثرگذار در بین عوامل اقتصادی می‌باشند.

عوامل نهادی-مدیریتی به عنوان گروه دوم از عوانل موثر در عدم نقش‌پذیری مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی شناخته شدند. در این گروه از عوامل به متغیرهای همچون ضعف ترتیبات حقوقی- نهادی که شامل وجود قوانین دست و پا گیر و ضوابط وابسته به کاغذبازی بانکی در ارائه اعتبارات و تسهیلات اشاره دارد. وجود قوانین دست و پاگیر و روندهای خسته‌کننده استفاده کردن از خدمات مالی برای روستاییان باعث می‌شود که قشر عظیمی از جامعه توان دسترسی به منابع مالی را نداشته باشند. با وجود چنین شرایطی نه تنها فرآیند انباشت سرمایه به تأخیر می‌افتد، بلکه بهره‌وری کاهش می‌یابد و زمینه‌های ایجاد فرصتهای جدید شغلی محدود می‌شود و هزینه استفاده از منابع به شدت افزایش می‌یابد. این عوامل بر فرآیندهای توسعه جامع محلی اثراتی منفی می‌گذارد. در نتیجه ساماندهی فرآیندهای اعطای اعتبارات و تسهیل این روندها در جهت توسعه درونزای روستایی یک ضرورت است و اکثر کشورها در فرآیند توسعه به این مقوله می‌پردازند. همچنین نبود نظام برنامه‌ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی نیز از جمله این عوامل بازدارنده است. در حالی که در فرآیندهای توسعه بخصوص توسعه روستایی توجه به بازار داخلی و خارجی و برنامه‌ریزی صحیح برای دست یابی به اینگونه بازارهای برای روستاییان، عوامل اصلی جهش تولید در این حوزه هستند.

در دسته سوم عوامل، عمدتاً تاکید بر نقش وضعیت اجتماعی- فرهنگی حاکم در روستاها بر عدم بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی است. از نظر خبرگان روستایی در جوامع روستایی عدم وجود برخی خصوصیات همچون نداشتن روحیه اعتماد به نفس و خواستن؛ نداشتن امید و انگیزه؛ نداشتن روحیه جسارت و مخاطره‌پذیری، ضعف خلاقیت و نوآوری است و وجود رفتارهای انعطاف‌ناپذیر و... سبب شده است که فرآیندهای شکل‌گیری توسعه به خوبی طی نشود. در صورتی که اگر جامعه روستایی به دنبال دستیابی به توسعه هستند باید وضعیت کنونی خود را متحول نموده و ذهنیت مناسبی برای تغییر و تحول داشته باشند. در اینجا جنبه فرهنگی و اجتماعی جوامع مطرح می‌شود و اینگونه جوامع برای دستیابی به توسعه باید به توسعه شناخت‌ها، ارزش‌ها و شخصیت و قابلیت‌های خلاق را فراهم نمایند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

در آخر دو دسته عوامل انسانی و هم چنین عوامل کالبدی به عنوان عوامل موثر در عدم بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی مورد تاکید خبرگان در روستاهای مورد مطالعه بوده است. که در عوامل انسانی به پایین بودن سطح سواد و تحصیلات؛ نداشتن تجربه و سابقه برای بهره‌گیری مناسب از مزیت‌های جغرافیایی؛ نداشتن بینش و نگرش برای تغییر و تحول؛ غلبه داشتن روش‌های کشاورزی سنتی و عدم آشنایی با دانش فنی و تکنولوژی‌های جدید و ... اشاره دارد. در عوامل کالبدی نیز تاکید بر عدم دسترسی به خدمات در نواحی روستایی مورد مطالعه دارد.

با توجه به یافته‌های پژوهش نتیجه زیر حاصل شد:

- به نظر افراد خبره و آگاه روستایی عدم بهره‌گیری مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی در نواحی مورد مطالعه متأثر از عواملی همچون پایین بودن سطح مهارت و آشنایی با دانش نوین، تسلط روحیه محافظه کاری، ضعف خلاقیت و نوآوری، پیری جمعیت، تسلط باورهای فرهنگی بسته، پایین بودن سطح درآمدی، تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری، بی‌ثباتی نظام بازار، ضعف توجه به خدمات زیرساختی و رفاهی، نارسایی در نظام آموزش و ترویج روستایی، ضعف ترتیبات حقوقی – نهادی، نبود نظام برنامه‌ای یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی، ضعف خدمات پشتیبان تولید، پایین بودن سطح امنیت، ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری متأثر شده است؛
- در بین خبرگان محلی مورد بررسی، درباره نقش عوامل مختلف در عدم بهره‌گیری مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار روستایی ذهنیت‌های متفاوتی وجود دارد. ذهنیت‌های خبرگان محلی در نواحی روستایی مورد مطالعه در زمینه موضوع مورد مطالعه در پنج طبقه مختلف دسته‌بندی شده است. گروهی از روستاییان بر اثرگذاری عوامل عوامل اقتصادی، گروهی بر اثرگذاری عوامل اجتماعی- فرهنگی، گروهی دیگر نیز به اثرگذاری عوامل انسانی، تعدادی نیز بر اثرگذاری عوامل مدیریتی- نهادی و نیز گروهی بر اثرگذاری عوامل کالبدی در عدم نقش‌پذیری مزیت‌های جغرافیایی تأکید دارند؛
- در نهایت از نظر خبرگان محلی در عدم بهره‌گیری از مزیت‌های جغرافیایی در فرآیند توسعه پایدار نواحی روستایی مورد مطالعه به ترتیب تحت تأثیر عوامل اقتصادی با ۲۵/۴۰ درصد، عوامل مدیریتی- نهادی با ۲۳/۶۶ درصد، عوامل اجتماعی- فرهنگی با ۲۱/۱۶ درصد، عوامل انسانی با ۲۰/۲۳ درصد و عوامل کالبدی با ۸/۷۰ درصد قرار گرفته‌اند.

با توجه به نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر، می‌توان این چنین نتیجه گرفت که؛

« نواحی روستایی مورد مطالعه علیرغم برخورداری از مزیت‌های جغرافیایی متنوع، نتوانسته‌اند از مزایا برای توسعه‌ای پایدار بهره‌مند شوند. از این روی در مسیر ناپایداری قرار گرفته‌اند. این ضعف بهره‌مندی متأثر از عوامل مختلفی است که در این بین نقش عوامل اقتصادی (پایین بودن سطح درآمدی در نواحی روستایی، تورم و توزیع نامتوازن منابع اعتباری، بی‌ثباتی نظام بازار، ضعف خدمات پشتیبان و همچنین ضعف برخورداری از بنگاه‌های فرآوری) و مدیریتی-نهادی (نظیر ضعف ترتیبات حقوقی-نهادی و نبود نظام برنامه‌ریزی یکپارچه برای فعالیت‌های کشاورزی متناسب با بازار داخلی و خارجی) از اهمیت بیشتری برخوردار است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

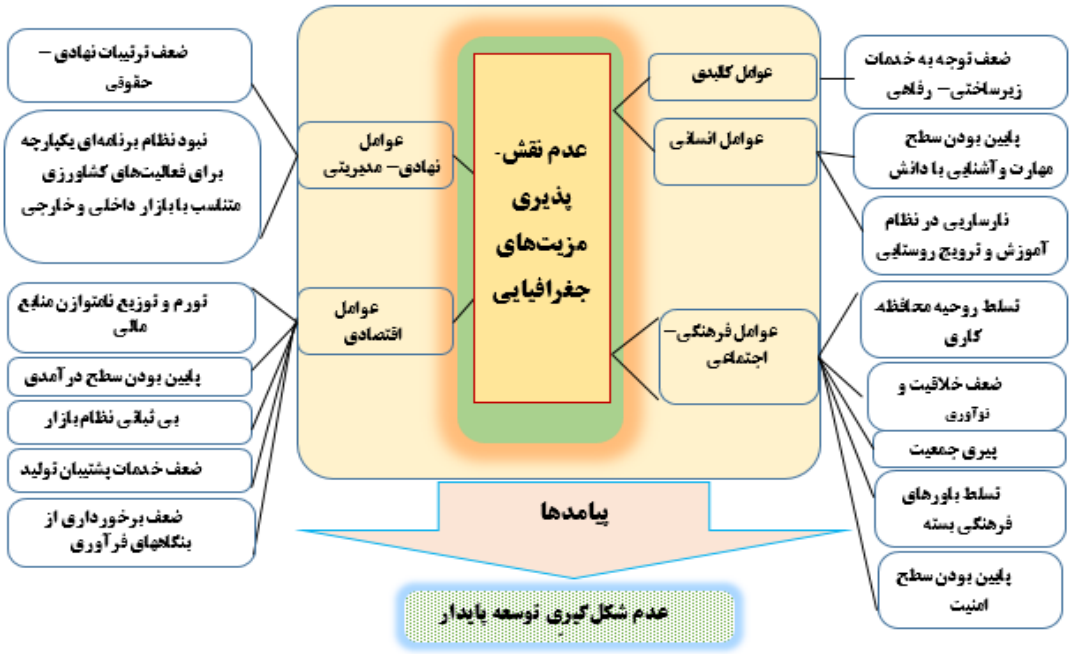

شکل ۶. الگوی نهایی یافته‌های تحقیق

۶) منابع

- آزادارمکی، تقی، (۱۳۸۱)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، تهران، نشر سروش، چاپ دوم، ص ۲۸۷
- ازکیا، مصطفی، مختارپور، مهدی، (۱۳۹۱)، **نقش مکتب ساختارگرایی در شکل گیری تئوری های توسعه**، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره سوم، صص ۲۳-۷
- افراخته، حسن، حجی‌پور، محمد، (۱۳۹۴)، **اقتصاد سیاسی فضا و تعادل منطقه‌ای ایران**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره چهارم، صص ۱۱۰-۸۷
- ایمانی شاملو، جواد، رفیعیان، مجتبی، (۱۳۹۵)، **قدرت و بازتعریف نظریه برنامه‌ریزی شهری (با تأکید بر دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا)**، فصلنامه راهبرد، سال ۲۵ شماره ۸۰، صص ۳۹۱-۲۸۸
- بهفروز، فاطمه، (۱۳۷۸)، **فلسفه و روش‌شناسی تحقیق در جغرافیا**، انتشارات دانشگاه تهران چاپ اول، ص ۵۶۲
- پوراحمد، احمد، (۱۳۷۶)، **جغرافیا کارکردهای بازار کرمان**، انتشارات کرمان شناسی،ص ۳۳۸
- دیانت، محسن، (۱۳۹۵)، **تأثیر نظریه کارکردگرایی بر شکل‌گیری بروکراسی و ساختار فرهنگ در ایران**، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم شماره دوم، صص۱۲۵-۱۰۵
- عبدالملکی، حجت‌الله، اولیایی ترشیز، مریم، (۱۳۹۱)، **تحلیل تطبیقی مدل‌ها و عوامل موثر بر مزیت‌سنجی منطقه‌ای: مزیت‌های پنهان در مقابل مزیت‌های آشکار شده (مطالعه موردی: منطقه خراسان)**، پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای.سال ششم شماره ۲۰، ص۱۱۸
- عزیزخانی، احمد، (۱۳۸۷)، **مفهوم کنش و ساختار در نظریه ساختاری شدن (با تأکید بر تحولات ایالات متحده آمریکا)**، فصلنامه انسان پژوهی دینی دوره ۵ شماره ۱۷، صص ۲۱۵-۱۹۴
- گیدنز، آنتونی(۱۳۷۶)، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، ص ۵۲۲
- مقدس، عبس اصغر، قدرتی، حسین، (۱۳۸۳)، **نظریه ساختاری شدن آنتونی گیدنزو مبانی روش‌شناختی آن**، مجله علوم اجتماعی، شماره چهارم، صص۳۱-۱

- Antonescu.D(2012) **Idetifying regional disparition to European Unions territorial structures**. Procedia Economics and Finance , Vol. 3, PP. 1148-1155.
- Barker, J. H. 2008. **Q-methodology: an alternative approach to research in nurse education**. Nurse Education Today, Vol. 28(8), PP. 917-925.
- Barrera-Roldan,A.SaldivarValdes,A(2002)**proposal and application of a sustainable development index**. Ecological indicators journal,Vol2,No3, PP. 251-256.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]
[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

- Cazurra, Á., Holan, P. M., & Sanz, L. 2014. **Location advantage: Emergent and guided co-evolutions**. Journal of Business Research, Vol. 67(4), PP. 508-515.
- Djankov, S., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. 2002. **The regulation of entry**. Quarterly Journal of Economics, Vol. 117, PP. 1–37.
- Duenckman, F., 2010. **The Village In The Mind: Applying Q Methodology To Reconstucting Constructions Of Rurality**,. Jurnal Of Rural Studies, PP. 284-259
- Elliott, J. (2012). **An introduction to sustainable development**. Routledge.
- Exel, J. V., Graaf, G. & Brouwer, W. 2007. **Care for a break? An investigation of informal caregiver attitudes toward respite care using Q-methodology**, Health Policy, Vol. 83 (9), PP. 332–342
- Gulati, R., Nohria, N., & Zaheer, A. 2000. **Strategic networks**. Strategic Management Journal, 21 , PP. 203–215
- Harrigan, J., & Deng, H. (2010). **China's local comparative advantage. In China's growing role in world trade** (PP. 109-133). University of Chicago Press.
- Kalantari, K . Shabanali Fami, H. Asadi, Ali. Qasemi ,Iraj. Chubchian, Shahla ,2008, **Major Challenges of Iranian Rural Communities for Achieving Sustainable Development**, American Journal of Agricultural and Biological Sciences , Vol. 4, PP. 724-728
- Khanna, T., & Palepu, K. 2010. **Winning in emerging markets: A road map for strategy and execution**. Boston, MA: Harvard Business School Press
- Michalek J . Zarnekow, N(2011) **Application of the Rural Development Index to Analysis of Rural Regions in Poland and Slovakia**, Social Indicators Research,Vol105,PP1-37.
- Milner,CH, Pentecos,E(1996) **Location advantage and us foreign direct investment in UK manufacturing**, Applied Economice. Vol28,No2, PP. 523-527.
- Narula,R, Santangelo,G.D(2012) **Locaiation and collocation advantages in international innovation**, Multination Business reviw,Vol20,No1, PP. 6-25.
- Nelson, R. (Ed.). 1993. **National innovation systems: A comparative analysis**. Oxford:Oxford University Press
- Ohlan, R. (2013), **Pattern of regional disparities in socio-economic development in India: District level analysis**. Social Indicators Research, Vol 114(3), PP. 841-873.
- Pašakarnis, G., & Maliene, V ,2010, **Towards sustainable rural development in Central and Eastern Europe: Applying land consolidation**. Land Use Policy, Vol. 27(2), PP. 545-549.
- Peng, M. W., Wang, D. Y. L., & Jiang, Y. 2008. **An institution-based view of international business strategy: A focus on emerging economies**. Journal of International Business Studies, Vol. 39, PP. 920–936
- Penrose, R., & Rindler, W. 1984. **Spinors and space-time: Volume 2, Spinor and twistor methods in space-time geometry** (Vol. 2). Cambridge University Press, PP. 205-228
- Salvati,L.,Venanzeni,G.,Carlucci,M(2016)**Tow ards (spatialy)unbalanced development? A joint assessment of regional disparities in socioeconomic and territorial variables in ITALY**. Land use policy, Vol 51, PP. 229-235.
- Siddharthan,N.s, Lakhera,M.l(2005) **Foreign Direct investment and Location advantages: Japanese perceptions of india compared to china and Asean**,Vol.12,N1, PP. 99-110.
- Sikharulidz,D,Kikutadze,V(2013). **Location advantace and Georgis postential to attract forelgn direct investmen**t,European scientific Journal December,Vol.1, PP. 101-106.
- Straka, J., & Tuzová, M. (2016). **Factors affecting development of rural areas in the Czech Republic: A literature review**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, Vol. 220, PP. 496-505.
- Tunyi, A. A., & Ntim, C. G. (2016). **Location advantages, governance quality, stock market development and firm characteristics as antecedents of African M&As**. Journal of International Management, Vol. 22, PP. 147-167.
- Wernerfelt, B. 1984. **A resource-based view of the firm**. Strategic Management Journal, Vol. 5, PP. 171–180

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]

- YIlmaz, B ،Dasdemir, I ،Atmis, E ،Lise, ،W(2010) **Factors affecting rural development in turkey: BartIn case study**.Journal of Forest Policy and Economics, Vol . 12, No 4, PP. 239-249.
- Zemtsov, S,p, Baburin,V,L(2016) **how to assess advantages of economic-geographical position for Russian regions?**, Institute for Applied Economic Research, Vol .2, PP. 385- 401.
- Zolfani, S & Zavadskas, E (2013), **Sustainable Development of Rural Areas' Building Structures Based on Local Climate**, Procedia Engineering, Vol . 57, PP. 1295-1301.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[DOR: 20.1001.1.23222131.1401.11.39.9.2]